

این کتاب ترجمه‌ای است از:

The Love of a Good Woman

Alice Munro

یونیفورم مجموعه: دکتر نورالدین زرین کلک

سرشناسه:	مانرو، الیس، ۱۹۳۱-م.	Munro, Alice
عنوان و نام پدیدآور:	عشق زن خوب / آلیس مانرو؛ ترجمه‌ی شقایق قندهاری.	
مشخصات ناشر:	تهران: نشر قطره، ۱۳۸۸.	
مشخصات ظاهری:	۳۲۸ ص.	
فروست:	سلسله انتشارات؛ ۱۳۸۵. رمان (داستان خارجی)؛ ۸۳	
	داستان جهان و جهان داستان (بزرگسالان)؛ ۴	
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۱۱۹-۰۶۲-۹	
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا	
یادداشت:	عنوان اصلی: <i>The love of a good woman: stories, 1998</i>	
موضوع:	داستان‌های کانادایی - قرن ۲۰م.	
شناسه‌ی افزوده:	قندهاری، شقایق، ۱۳۵۵ - مترجم	
رده‌بندی کنگره:	۱۳۸۸ ع ۵۵ م ۲ / ۹۱۹۹/۳ PR	
رده‌بندی دبویی:	۸۱۳/۵۴	
شماره‌ی کتابشناسی ملی:	۱۹۳۱۰۰۶	

ISBN:978-600-119-062-9

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۹-۰۶۲-۹

عشق زن خوب

پنج داستان بلند

آلیس مانرو

ترجمه

شقایق قندهاری

دبیر مجموعه

شهرام اقبالزاده



عشق زن نحوب

آلیس مانرو

ترجمه‌ی شقایق قندهاری

دبیر مجموعه: شهرام اقبال‌زاده

چاپ اول: ۱۳۹۰

لیتوگرافی: طاووس رایانه

چاپ: صبا

تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

بها: ۷۵۰۰ تومان

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است.

تکثیر تمام یا بخشی از این کتاب به هر شکلی
(به صورت صوتی، تصویری، الکترونیکی و...)
منوط به اجازه‌ی کتبی ناشر است.

خیابان فاطمی، خیابان ششم، پلاک ۳

دورنگار: ۸۸ ۹۶ ۸۹ ۹۶

۸۸ ۹۷ ۳۳ ۵۱-۳ و ۸۸ ۹۵ ۲۸ ۳۵ و ۸۸ ۹۵ ۶۵ ۳۷

صندوق پستی: ۱۴۱۵۵-۵۱۶۵

سایت رسمی فروش اینترنتی (قطره‌شاپ)

www.GhatrehShop.com

www.nashreghatreh.com

nashreghatreh@yahoo.com

Printed in the Islamic Republic of Iran

www.ketab.ir

فهرست

۷	یادداشت مترجم
۱۳	خواب مادرم
۸۳	جزیره‌ی کورئس
۱۲۵	عشق زن خوب
۲۳۳	در پس صحنه
۲۸۳	از جنبه‌ی

یادداشت مترجم

درباره‌ی آلیس مانرو و این پنج داستان

این نویسنده‌ی زن برجسته‌ی کانادایی، خود معتقد است بهترین نویسنده‌ی داستان کوتاه است! البته مجموعه‌ی داستان‌های کوتاه منتشرشده‌ی او از یک طرف و جوایز ادبی معتبر بسیاری که برای آثار خود دریافت کرده است از طرف دیگر، تا حدود زیادی این ادعا را اثبات می‌کند. یکی از ویژگی‌های داستان‌های کوتاه آلیس مانرو - که اساساً چندان هم کوتاه نیستند و بعضاً پیچیدگی‌های داستان بلند را دارند - تنوع موضوعی آنهاست. به نظر می‌رسد که مانرو با چشمانی تیزبین و ذهنی باز، همه‌چیز را به‌خوبی زیر نظر دارد و درست به‌دلیل همین تسلط، علاوه بر اعتمادبه‌نفس بالا، در داستان‌هایش به مسائل متفاوت و مختلفی می‌پردازد. بااین حال یکی از مضامین محوری داستان‌های آلیس مانرو روابط انسان‌هاست؛ از رابطه‌ی میان زن و شوهر گرفته تا پزشک با بیمار، صاحب‌خانه و

مستاجر، رابطه‌ی میان دو دوست و ...؛ از این رو حس می‌شود این مقوله برای وی اهمیت خاصی دارد که بارها و بارها آن را به بهانه‌های مختلف دست‌مایه‌ی داستان‌های خود قرار داده است.

اولین مجموعه داستان او در سال ۱۹۶۸ به چاپ رسید؛ «رقص سایه‌های شاد»^۱ این مجموعه مورد توجه منتقدین ادبی قرار گرفت، به‌طوری که یکی از معتبرترین و اصلی‌ترین جایزه‌های ادبی کشور کانادا (Governor General Award) را برایش به ارمغان آورد.

«فکر می‌کنی کی هستی؟»^۲، مجموعه داستان بعدی آلیس، باز هم این جایزه‌ی ادبی را برایش به‌همراه داشت. او سپس به دعوت دانشگاه‌هایی مانند دانشگاه بریتیش کلمبیا و کوئینزلند در مقام نویسنده در آنجا مستقر شد و به‌طور جدی‌تری حرفه‌ی نویسندگی را به‌عنوان نویسنده‌ی مستقر در محل ادامه داد.

برخی معتقدند که داستان‌های مانرو حال و هوایی کاملاً بومی دارد که این نکته تا حدودی درباره‌ی داستان‌های او صادق است. او منطقه‌ی اونتاریو - نزدیک زادگاهش - را به خوبی می‌شناسد و این فضا را از جنبه‌های گوناگونی در آثارش به تصویر می‌کشد؛ از جنبه‌ی فرهنگی، مناظر، ساختمان‌ها و حتا مردمان و سبک و سیاق زندگی‌شان چه در جامعه و چه در خانواده.

به جرئت می‌توان گفت که این نویسنده‌ی زن، توجه و علاقه‌ی بیش‌تری به مشکلات هم‌جنس‌های خود نشان می‌دهد، به‌طوری که اغلب داستان‌هایش حول محور شخصیت‌های زن است و مردها

1. Dance of the Happy Shades
2. Who Do You Think You Are?

بیش‌تر، نقش‌های دوم یا حتا حاشیه‌ای را دارند. البته او با زیرکی خاصی در داستان «از جنبه‌ی...»^۱ نشان می‌دهد که خطای یک مرد تا چه اندازه می‌تواند بر زندگی زنی که شریک زندگی‌اش بوده است، اثر سوء به‌جا بگذارد تا جایی که سرنوشت او را برای همیشه تغییر دهد؛ تغییری جبران‌ناپذیر و بسیار ناخوشایند و بلکه دردناک و تلخ. در این نوع داستان‌ها، مردها به‌ظاهر، نقشی محوری دارند اما این نقش محوری در «از جنبه‌ی...» هم‌چنان در خدمت به تصویر کشیدن شخصیت زن داستان و مصائب پیش روی او پس از کشتار جنون‌آمیز سه فرزندشان به دست مرد است.

در «عشق زن خوب»^۲ در کنار زنان داستان، دو شخصیت جدی مرد نیز دیده می‌شوند؛ یکی پزشکی که با رفتار نامناسب خود به دست شوهر زن کشته می‌شود و دیگری همان شوهر زن که دانسته و ندانسته پس از این اتفاق باعث می‌شود که زنش به شدت بیمار شود؛ در حدی که زن به‌بستر می‌افتد و رفته‌رفته زندگی‌اش فنا می‌شود و در این فاصله آسیب‌های روحی بسیار می‌بیند. البته در این میان، آلیس به‌خوبی به جزئیات زندگی داخلی شخصیت‌هایش می‌پردازد تا باورپذیرتر شوند که در این بخش، مردها و زن‌ها را به یک اندازه مد نظر دارد. او روحیات، ظرفیت، توانایی و حتا عواملی که فرد را در مسیری مشخص سوق می‌دهد، با پردازشی داستانی بیان می‌کند. گاهی مانند همین داستان، شخصیت‌ها زیاد هستند اما هر یک از آن‌ها در پیشبرد

1. Dimensions...

2. Love of a Good Woman

داستان سهمی دارند و به خوبی در جای خود قرار می‌گیرند تا در نهایت داستان مورد نظر مانرو بازگو شود.

«عشق زن خوب» ساختاری اپیزودیک دارد و بر هر بخش آن عنوانی جداگانه گذاشته شده است. در واقع اپیزود اول برای زمینه‌سازی داستان اصلی است که از اپیزود دوم به بعد ساخته و پرداخته شده است و همین پیچیدگی، جزئی از جذابیت‌های این داستان محسوب می‌شود. خواننده باید با دقت هر بخش را بخواند تا بتواند اجرای مختلف و حتا شخصیت‌ها را به هم مرتبط کند و میان آن‌ها و سرگذشت‌شان سیری منطقی بیابد. خلاقیت و پیچیدگی‌های ذهنی آلیس در بازگویی داستانی پرشخصیت و تودرتو در این اثر به‌روشنی مشاهده می‌شود.

در داستان «در پس صحنه»^۱، پروفیسور گرانت مجبور می‌شود همسرش فیونا را پس از اختلال حافظه‌اش به آسایشگاه ببرد. رابطه‌ی میان این زن و شوهر در مقاطع مختلف زندگی با بازگشت به گذشته و مرور خاطرات، مشخص می‌شود و برخی از ظرایف این ارتباط و تأثیرشان بر روند زندگی مشترک به‌طور ملموسی به تصویر کشیده شده است. علاوه بر این‌که فیونا در آسایشگاه، آشنایی قدیمی را می‌بیند و بر اثر تنهایی و اختلال حافظه‌اش در مقطعی به او وابسته می‌شود، گریز آدم‌ها از خود و موقعیت موجودشان از دست‌مایه‌های دیگر «در پس صحنه» است.

«خواب مادرم»^۲ راوی متفاوتی دارد؛ دختری که انگار حتا پیش

از تولدش از مسائل زندگی مادرش جیل و پدرش جورج خبر دارد! اما او هرگز پدرش را نمی‌بیند چون قبل از تولد او در جنگ کشته شده است. این دختر به گذشته‌ی پدر و مادرش برمی‌گردد و نحوه‌ی آشنایی و ازدواج آن‌ها را نیز بازگو می‌کند. با این حال، روایت منطقی است و اصلاً تصنعی به نظر نمی‌آید. او از خودش می‌گوید؛ اما جالب این‌جاست که بهانه‌ی خلق این داستان، خواب نابه‌نگام مادر در نخستین روزهای تولد نوزاد - راوی داستان - است که هم‌او و گرفتاری فراوانی برای اطرافیان به دنبال دارد.

در داستان «جزیره‌ی کورتس»^۱ عروس جوانی با شوهرش، در آغاز زندگی مشترک مستأجر زوجی میان‌سال می‌شوند. زن صاحب‌خانه به شدت زن جوان را زیر نظر دارد و بدون دلیل مدام در کارهای او دخالت می‌کند. به نظر می‌رسد این زن میان‌سال به نوعی به عروس بیست‌ساله حسادت می‌ورزد که مدام از او ایراد می‌گیرد. در دوره‌ای، وقتی خانم گوری - صاحب‌خانه - متوجه می‌شود زن به دنبال کار است، به او پیشنهاد می‌کند که برخی روزها چند ساعتی مراقب شوهر او باشد تا او بتواند از خانه بیرون برود. آقای گوری چند سال قبل سکه کرده و هم‌اکنون روی صندلی چرخدار است و قادر نیست به درستی حرف بزند. «جزیره‌ی کورتس» رازی دارد که یک روز، وقتی زن جوان بریده‌ی روزنامه‌های آن ایام را به خواست پیرمرد برایش می‌خواند، بدان پی می‌برد. چس - شوهر زن جوان - فکر می‌کند همسرش با این کار وقت تلف می‌کند و او را تشویق می‌کند که به‌طور جدی در پی کار

دیگری باشد. از قضا زن موفق می‌شود کتاب‌دار کتابخانه‌ای شود که خودش همیشه از آن‌جا کتاب امانت می‌گرفت، اما آن دوره‌ی کوتاه مراقبت از آقای گوری خاطرات بد و حسی ناخوشایند را برای عروس جوان به همراه داشته است که به سادگی از یادش نمی‌رود.

این پنج داستان از مجموعه‌ی داستان «عشق زن خوب» و نشریه‌ی «نیویورکر»^۱ انتخاب شده‌اند. داستان‌ها فضاهایی متفاوت و شخصیت‌هایی به‌یادماندنی و غریب دارند که کمابیش قابل مشاهده هستند. شیوه‌ی پرداخت‌ها و ساختار داستان‌ها نشان می‌دهد که مانرو پیوسته به سراغ زمینه‌های تازه می‌رود و هر بار، بخش متفاوتی از یک زندگی را به تصویر می‌کشد که می‌تواند مقطعی از زندگی هر یک از ما یا کسانی باشد که می‌شناسیم یا درباره‌شان شنیده‌ایم.